

مروری اجمالی بر سیر تحولات آمایش سرزمین در ایران

منصوره کاظمی*

اقتصاد را می‌توان به صورتهای مختلفی تعریف نمود. اقتصاد در لغت به معنی تعادل است، بر این اساس بایستی با انجام برنامه‌های مستمر و هدفمند اقدام به ایجاد تعادلهای منطقه‌ای نمود. بنا بر تعریفی دیگر، اقتصاد به تخصیص منابع محدود بین خواسته‌های نامحدود بشری تعبیر می‌گردد. بر این اساس بایستی منابع مالی محدود یک کشور به نحوی بین فعالیتهای مختلف مورد نیاز آن کشور تخصیص یابد که از تخصیص آنها بیشترین کارایی نصیب جامعه شود. آمایش سرزمین در واقع وظیفه تحقق دو تعریف فوق را در سطح یک کشور بر عهده دارد.

واژه‌های کلیدی: توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، تعادل منطقه‌ای، توسعه متوازن، آمایش سرزمین.

۱. مقدمه

اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی متکی بر رویکرد بخشی در کشور ما مانند دیگر کشورهای جهان به بی‌تعادلی‌های منطقه‌ای، حاشیه‌ای شدن برخی مناطق، از دست دادن منابع و توانمندیهای منطقه‌ای و نابرابریهای سرزمینی منتهی شده است. از این‌رو، آمایش سرزمین^۱ با رویکرد همه سو نگر در چارچوب توسعه فضایی، سعی دارد با پدیده بی‌تعادلی‌های منطقه‌ای برخورد کرده و راهکارهای مناسب را برای تحقق توسعه متوازن، همه جانبه و پایدار در سطح سرزمین ارائه کند. بنابراین در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فصلی به آمایش سرزمین اختصاص داده شده است، به ویژه آنکه در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ جامعه ایرانی، توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی و تاریخی، عدالت اجتماعی و به دور از فقر و تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب توصیف شده است و دستیابی به چنین جایگاهی مشروط به انجام برنامه‌ریزیهای مبتنی بر آمایش سرزمین است.

* کارشناس ارشد دفتر تحقیقات و سیاستهای مالی، معاونت امور اقتصادی - وزارت امور اقتصادی و دارایی

۱. برابر اصطلاح فرانسوی *Amenagement Du Territoire*

۲. مبانی و مفاهیم آمایش سرزمین

به این دلیل که سرزمین، کانون فعالیت و سکونت انسان است همواره در معرض نوعی دخالت، عمران و به طور خلاصه آمایش بوده است. از این رو آمایش سرزمین^۱ را نمی‌توان موضوع تازه‌ای دانست. آنچه نوآوری است تغییر هدفمند و برنامه‌ریزی شده آمایش سرزمین و روشهای تهیه و اجرای این گونه برنامه‌هاست.

تعاریف متفاوتی از آمایش سرزمین ارائه شده است که به طور خلاصه به برخی از این تعاریف اشاره می‌کنیم:

- مجموعه اقدامات هماهنگ به منظور چیدن با نظم و ترتیب مردم، فعالیتها، بناها، تجهیزات (زیرساختها) و وسایل ارتباطی (مخابرات) در پهنه سرزمین.^۲
- هنر یا فن (و نه علم) جای دادن با نظم و ترتیب و همراه با آینده‌نگری انسانها و فعالیتها، زیرساختها و وسایل ارتباطی در خدمت انسانها در فضای کشور با در نظر گرفتن الزامهای طبیعی، انسانی و اقتصادی و حتی سوق الجیشی.^۳
- دانشی است برگرفته از علم سیاست، اقتصاد و جغرافیا که با توجه به منابع طبیعی موجود و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور، ترکیبی عقلایی و منطقی برای توزیع بهتر فعالیتهای انسان ایجاد کرده و بین اهداف کشوری هماهنگی به وجود می‌آورد. با تهیه و اجرای طرحهای آمایش سرزمین، باید بین مناطق ناهماهنگ به مرور هماهنگی اجتماعی و اقتصادی به وجود آورد.^۴
- نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت برای توزیع بهتر جمعیت و فعالیتهای اقتصادی در زمینه منابع طبیعی به منظور افزایش رفاه و توسعه جامعه است.^۵
- نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت است که سرزمین را عاملی تعیین‌کننده در تأمین اهداف توسعه می‌داند.^۶
- آمایش سرزمین، هدف توزیع بهتر جمعیت را با توجه به منابع طبیعی و فعالیتهای اقتصادی دنبال می‌کند. این تلاش در راستای اهداف کاملاً اقتصادی نیست و رفاه و توسعه کامل ظرفیتهای بالقوه اجتماعی را در نظر دارد.
- آمایش، فن ارتقاء و توسعه در چارچوب تقسیمات کم و بیش طبیعی یا سیاسی سرزمین است. آمایش، نیازمند مداخله سنجیده برای تأمین ارتقای منطقی و توسعه هماهنگ است که هدف آن استفاده مطلوب از منابع و ارتقای وضع جمعیت است.

۱. آمایش، اسم مصدر است و مصدر دوم فعل آمودن به معنی آمیختن، در هم کردن، آمیخته کردن، آراستن و آماده کردن می‌باشد.

۲. پردیخت وحیدی، «آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی»، (۱۳۷۳).

۳. همان ۴. همان

۵. همان ۶. همان

۳. سیر تحولات آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران

تحولات آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران را می‌توان به دو دوره قبل و بعد از انقلاب تفکیک کرد.

۱-۳. دوره قبل از انقلاب

توجه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشور ما پس از جنگ جهانی دوم و با هدف ترمیم خرابیهای جنگ آغاز شد. اولین گام، تأسیس شورای عالی اقتصاد^۱ در سال ۱۳۱۶ بود. این شورا کمیسیون ویژه‌ای برای اصلاح وضع کشاورزی و مهاجرت مطرح و تنظیم کرد اما اقدامات این شورا از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۳ مسکوت گذارده شد. در سال ۱۳۲۵ شورای عالی اقتصاد با طرح و پیشنهاد بالا بردن سطح زندگی و تعدیل در توزیع ثروت دوباره فعالیت خود را آغاز کرد.

اولین لایحه قانون برنامه‌هفت ساله عمرانی کشور در سال ۱۳۲۷ به تصویب رسید و پس از آن تا انقلاب اسلامی شش برنامه‌هفت ساله نیز تدوین شد. برنامه اول توسعه با دید منطقه‌ای کردن اعتبارات عمرانی تدوین شد و استعدادهای منطقه‌ای، استفاده از مزیت‌های نسبی و نیازمندیهای جامعه محلی، ضوابط اصلی در توزیع اعتبارات عمرانی بین شهرستانهای مختلف به شمار می‌رفت. در واقع این برنامه مجموعه‌ای از پروژه‌ها و طرحهای ارزیابی شده در زمینه کشاورزی، صنایع و اکتشاف و بهره‌برداری معادن، اصلاح امور بهداشت عمومی و آموزش و پرورش بود. طی سالهای این برنامه، اولین طرح منطقه‌ای در سال ۱۳۳۲ با تشکیل بنگاه عمران دشت مغان و در چارچوب قراردادی با مهندسان مشاور هاوانیان آگرونومیکس^۲ برای منطقه دشت مغان تهیه شد. هدف این طرح استفاده از آب رودخانه ارس در فعالیتهای کشاورزی و تعدیل اقتصاد دامداری و ایلی منطقه به اقتصاد مختلط دامی-کشاورزی بود. در واقع این طرح تمرکز سرمایه‌گذاری در مناطق عقب افتاده و محروم را برای نخستین بار مطرح کرد و نتایج مثبتی را به رغم مشکلات موجود به بار آورد. قانون برنامه اول به علت مشکلات سیاسی و اقتصادی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به شکل بسیار ناقصی به اجرا درآمد و در واقع در حد سند برنامه باقی ماند.

برنامه دوم عمرانی برای دوره ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱ تهیه شد. در این برنامه نیز اهداف تمرکززدایی و ایجاد تعادل مدنظر قرار گرفت و در عمل سیاست توسعه و عمران ناحیه‌ای بر سرمایه‌گذاری متمرکز به منظور به وجود آوردن قطبهای توسعه و عمران در نواحی مستعد و محروم دنبال شد. یکی از تجارب بسیار موفق در این زمینه مطالعه و تهیه طرحی همه‌جانبه برای منطقه خوزستان طی

۱. مطابق اساسنامه شورای اقتصاد (مصوب ۱۳۱۶/۱/۱۱ هیئت وزیران و با اصلاحات قانونی ماده ۳ قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱)، وظیفه اصلی این شورا عبارت است از تصمیم‌گیری در خصوص اقدامات اقتصادی وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی و به طور کلی تصمیم‌گیری پیرامون امور اقتصادی که از طرف دولت به این شورا محول می‌شود.

2. Hawanian Agronomics

قراردادی ۱۵ ساله میان سازمان برنامه و بودجه و شرکت منابع عمران نیویورک بود که به تشکیل سازمان عمران خوزستان منتهی شد. هدف این طرح بهره‌برداری هماهنگ از تمامی منابع منطقه با تکیه بر همکاری نزدیک بین گروه‌های دولتی و خصوصی با در نظر گرفتن شرایط محلی بود. در چارچوب این طرح، پروژه‌هایی نظیر شبکه‌ای از سدها، شبکه توزیع برق، کارخانه تولید شکر و مجتمع پتروشیمی به اجرا درآمدند.

با توجه به نتایج مثبت دو طرح دشت مغان و خوزستان طرح مشابهی در سال ۱۳۳۵ برای جنوب شرق ایران پیش‌بینی شد که هدف آن شناسایی منابع طبیعی و امکانات اقتصادی محدوده مطالعاتی یعنی مناطق جنوب شرق استان سیستان و بلوچستان و بخشی از استان کرمان بود. مطالعات طرح نشان داد که این منطقه به دلیل اختلاف بسیاری که از نظر ویژگی‌های منطقه‌ای با منطقه خوزستان دارد، اجرای طرح‌های مشابه اقتصادی در این منطقه مقرون به صرفه نخواهد بود. در نتیجه انجام طرح‌های کوچک در نواحی مختلف منطقه به منظور اصلاح شرایط اولیه محیطی تغییر یافت و پس از آن هم اجرای طرح به دلیل نبود امکانات مالی دولت در برنامه دوم، عملی نشد.

برنامه سوم عمرانی برای دوره ۱۳۴۸-۱۳۴۱ تهیه شد، این برنامه در ادامه نگرش مثبت حاصل از تجارب گذشته در زمینه تقویت استعدادها و منطقه‌ای پایه‌گذاری شد و همزمان چند رویداد مهم نظیر وقوع زمین‌لرزه بزرگ ناحیه قزوین در سال ۱۳۴۱ و تصویب اصول شش‌گانه مانند اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ موجب شد تا امکانات مالی بهتری از سوی دولت برای اجرای این برنامه‌ها تأمین شود. همچنین در سال ۱۳۴۵ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، گزارشی تحت عنوان مسئله افزایش جمعیت شهر تهران و نکاتی پیرامون عمران کشوری منتشر کرد. همه این عوامل موجب شد تا تهیه طرح‌های جامع منطقه‌ای به ویژه برنامه‌های مبتنی بر کشت و صنعت برای مناطق جدیدی نظیر قزوین، جیرفت، کهگیلویه، ماهدشت و پل دهاب در دستور کار قرار گیرد و سازمان‌های عمران منطقه‌ای جدیدی نیز در مناطق یاد شده تأسیس شود و از سوی دیگر تعدادی از طرح‌های ملی در سطح مناطق، تقسیم و قطب‌های صنعتی در اصفهان، تبریز، اراک و قزوین ایجاد شود.

تجربه سه برنامه عمرانی اول به ویژه در مورد ایجاد تشکیلات مربوط به اجرای برنامه‌ها قابل تأمل است. برنامه‌های عمران منطقه‌ای با تشکیلات تعریف شده‌ای در قالب سازمان‌های عمران منطقه‌ای اجرا می‌شد. این سازمان‌ها معمولاً یکپارچه و هماهنگ عمل می‌کردند. هر چند هر زمان که این تشکیلات منحل می‌شد ادامه اجرای طرح‌ها به بخش‌های مربوط یا وزارتخانه‌های ذی‌ربط سپرده می‌شد که این امر موجب ایجاد زمینه‌های بروز ناهماهنگی و توقف یا کندی انجام برنامه‌ها می‌شد. از نتایج تجارب یاد شده در زمینه تشکیلات اجرایی و به منظور تمرکززدایی و منطقه‌ای کردن فعالیت‌های برنامه‌ریزی، تشکیل دفاتر فنی سازمان برنامه و بودجه در مراکز استانها و فرمانداریهای

مروری اجمالی بر سیر تحولات آمایش سرزمین در ایران ۷۵

کل در سال ۱۳۴۱ بود که هدف آن شناخت و بررسی نیازهای منطقه‌ای و کمک به اجرای برنامه‌های استانی بود. اما از آنجا که این دفاتر نیز دارای قدرت تصمیم‌گیری مناسب نبودند، موجب بروز دشواریهایی در راه عملیات عمران مناطق شدند. این دفاتر در سال ۱۳۴۲ با تأسیس وزارت آبادانی و مسکن به شعبات وزارتخانه یاد شده تبدیل شدند.

در برنامه چهارم عمرانی کشور (۱۳۵۱-۱۳۴۷) چند تغییر در برنامه به وجود آمد، اول آنکه دوره برنامه از هفت سال به چهار سال کاهش یافت و دوم آنکه برخلاف برنامه‌های قبلی که اقدامات توسعه و عمران مناطق به طور مجزا مورد توجه بود، در این برنامه برای اولین بار طرح منطقه‌ای سراسر کشور با توجه به ابعاد اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. در این برنامه اقدامهای نسبتاً مؤثری در راستای تمرکززدایی اداری و سازمانی انجام شد و مقامات استانی اختیارات مناسبی یافتند.

طی این برنامه با توجه به لزوم ملی دیدن برنامه‌های منطقه‌ای، خطوط اصلی توسعه و اولویتهای نسبی هر منطقه تعیین شد و بر اساس طرحی که تهیه شد، کشور به ۱۱ منطقه برنامه‌ریزی تقسیم شد که هر یک از این کلان‌منطقه‌ها به ۳۰ میان‌منطقه تقسیم شدند تا چارچوب فضایی برنامه‌های محلی را فراهم آورند و ۱۴۰ منطقه کوچک دیگر (نواحی متمرکز شهری) نیز بخش دیگر سلسله مراتب توسعه فضایی کشور را تشکیل دادند.

در اثر اقدامات انجام شده طی برنامه سوم و چهارم و رشد شتابان قطبهای بزرگ اقتصادی کشور، نابرابریهای منطقه‌ای به ویژه شکاف بین شهر و روستا به شدت افزایش یافت. برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) حرکتی به سوی برقراری نظام غیرمتمرکز عمرانی و فراهم کردن شرایط مشارکت بیشتر مقامات و مردم محلی در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها بود. سیاست توسعه معطوف به توسعه مناطقی شد که دارای رشد پایین و مهاجرفرست بودند، همچنین سیاستهای مالی و معافیتهای مالیاتی برای تحرک بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفت. در این برنامه تقسیمات ۱۱ گانه برنامه چهارم به دلیل ناهماهنگی با تقسیمات سیاسی و اداری مردود اعلام شد، در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ معاونت امور استانها در سازمان برنامه و بودجه تأسیس شد.

همچنین سازمان برنامه و بودجه که در اواخر دهه ۴۰ با اعزام کارشناسانی به کشور فرانسه به عنوان یکی از کشورهای با سابقه و پیشرو در این زمینه و دعوت از مدیران مسئول این مطالعات از کشور فرانسه به ایران، باب مذاکراتی را در این زمینه باز کرده بود، موجب شد که در سال ۱۳۵۱ گروه مهندسان مشاور ستیران (که ترکیبی از یک مهندس مشاور فرانسوی و شرکای ایرانی بود) گزارشی با عنوان طرح یادداشت مربوط به بهره‌وری سرزمین، تهیه و به سازمان برنامه و بودجه ارائه کنند. این گزارش دربرگیرنده مباحث و روشهای آمایش سرزمین بود که به عقد قرارداد تهیه طرح آمایش سرزمین از سوی سازمان برنامه و بودجه با مهندسان مشاور ستیران منتهی شد. این مشاور نیز نتایج دور اول مطالعات خود را در چند مرحله تا اوایل سال ۱۳۵۵ و نتایج مرحله دوم را

در اردیبهشت ۱۳۵۶ ارائه کرد. نتایج کاربردی مطالعات آمایش سرزمین با عنوان رهنمودهای آمایش سرزمین برای تهیه برنامه ششم عمرانی مورد استفاده قرار گرفت ولی به دلیل وقوع انقلاب به مرحله اجرا در نیامد.

همان‌طور که بیان شد برنامه ششم در حالی آغاز شد که طرح آمایش سرزمین تهیه شده بود و بر اساس تجارب قبلی، نیازها و ضرورت‌های توسعه کشور در چارچوب نظامی غیرمتمرکز و پیوسته مورد توجه بود و سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تعریف شده بود. به طور کلی برنامه ششم عمرانی به سوی تهیه و تنظیم برنامه‌های بخشی- منطقه‌ای با توجه به اهداف ملی پیش می‌رفت. به طور کلی می‌توان گفت از آغاز برنامه‌ریزی منطقه‌ای تا انقلاب اسلامی، برنامه‌ریزی از سطح طرح‌ریزی عمران ناحیه‌ای به سوی برنامه‌ریزی جامع منطقه‌ای تحول یافت.^۱

۲-۳. دوره بعد از انقلاب

پس از انقلاب اسلامی و با فروپاشی نظام برنامه‌ریزی رژیم گذشته، در سالهای اول تا سال ۱۳۶۱ تحول چندانی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ایران پدید نیامد و بیشتر تلاش در راستای سازمان‌دهی مجدد سازمانهای برنامه و بودجه استانها و معاونت امور مناطق بود. باید اشاره کرد مسائل مربوط به جنگ و شرایط ویژه کشور نیز به تشدید این شرایط کمک کرد. در برنامه اول عمرانی تلاش برای برنامه‌ریزی غیرمتمرکز بود. از این‌رو استانها در مرحله اول برنامه‌ریزی در تهیه و تنظیم برنامه نقش به سزایی داشتند اما اسناد برنامه‌ای تهیه شده به علت ناهماهنگی، امکان تلفیق با برنامه‌های بخشی و کلان را نداشت.

طی سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۴ دفتر آمایش سازمان برنامه و بودجه مطالعات آمایش سرزمین را که برای تهیه برنامه ششم عمرانی پیش از انقلاب مورد استفاده قرار گرفته بود به روز کرد و مجدداً در پنج جلد (دربگیرنده گزارشها و نقشه‌های وضع موجود و خط مشی آینده برای افق آینده) منتشر نمود. دانشگاه تهران نیز طی سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۷ با روش جدیدی که برنامه‌ریزی آن بر حسب آمیخته اطلاعات بوم‌شناسی و اقتصادی اجتماعی است آمایش سرزمین دشت سیستان را انجام داد. یافته‌های این تحقیق در هیئت دولت وقت مطرح و به پیشنهاد دانشگاه تهران، ایجاد سازمان عمران سیستان به تصویب هیئت دولت رسید. همچنین در سال ۱۳۶۹ وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری دانشگاه تهران، طرح‌ریزی کالبدی در گیلان و مازندران را با روش جدید آغاز کرد. دفتر مهندسی و مطالعات سازمان جنگلها و مراتع کشور (۱۳۶۹) و دفتر طرح و برنامه معاونت آبخیزداری وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۶) نیز طرحهای مشابهی را برای یاری‌رسانی به طرح آمایش مناطق

۱. «توسعه و تعادل منطقه‌ای» از مجموعه گزارشهای همایش جالشها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

مروری اجمالی بر سیر تحولات آمایش سرزمین در ایران ۷۷

کشور ولی با عنوانهای متفاوت (GIS)^۱ آغاز کرده و در حدود سه چهارم خاک کشور را پوشش دادند.

دوره اخیر مطالعات آمایش سرزمین از سال ۱۳۷۷ آغاز شد. این مطالعات با هدف دستیابی به نظریه پایه توسعه ملی و تدوین دیدگاه بلندمدت توسعه فضایی کشور سازمان‌دهی و انجام شد. نتایج این مطالعات در اردیبهشت ۱۳۷۹ در هیئت دولت ارائه گردید. در همین راستا در سال ۱۳۸۲ با توجه به متن ابلاغیه رهبر انقلاب و سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف شد سند آمایش سرزمین مبتنی بر اصول ذیل را تدوین کند:

- ملاحظات امنیتی و دفاعی،
 - کارایی و بازدهی اقتصادی،
 - وحدت و یکپارچگی سرزمین،
 - گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای،
 - حفاظت از محیط‌زیست و احیاء منابع طبیعی،
 - حفظ هویت اسلامی ایران و حراست از میراث فرهنگی،
 - تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصادی کشور،
 - رفع محرومیتها به ویژه در مناطق روستایی کشور.
- همچنین طبق ماده ۷۲ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف شد به منظور توزیع مناسب جمعیت و فعالیتهای در پهنه سرزمین، با هدف استفاده کارآمد از قابلیت‌ها و مزیت‌های کشور، با استفاده از مطالعات انجام شده، سند ملی آمایش سرزمین مشتمل بر سطوح ذیل را از ابتدای برنامه چهارم به مرحله اجرا درآورد:

الف- سطح کلان

سطح کلان دربرگیرنده مواردی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

- چشم‌انداز بلندمدت توسعه فضایی کشور، در چارچوب سیاستهای کلی نظام، تحلیل شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و امکانات، محدودیتها و مزیت‌های سرزمین.
- راهبردهای کلی توزیع جمعیت در سرزمین، الگوی اسکان و نظام شهری و روستایی کشور.
- راهبردهای خاص مناطق و عرصه‌هایی که از نظر امنیتی و دفاعی، حفاظت از منابع طبیعی، محیط‌زیست و میراث فرهنگی دارای موقعیت ویژه هستند.
- پایگاه اطلاعات مکانی و جغرافیایی و اسناد تصویری مرتبط.

1. Geographical Information System

ب- سطح بخشی

این سطح مواردی را که در ادامه می‌آید در برمی‌گیرد:

- راهبردهای هماهنگ و سازگار بلندمدت توسعه و توزیع فضایی بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطبق با ویژگیهای سرزمین.
- سیاستها و توصیه‌های منطقه‌ای و سرزمینی بخشها.
- اقدامها و عملیات اولویت‌دار در توسعه بخش.

ج- سطح استانی

سطح استانی دربرگیرنده موارد ذیل است:

- نظریه پایه توسعه استانها، شامل بخشهای محوری و اولویت‌دار در توسعه استان و تعیین نقش هر استان در تقسیم کار ملی.
- سازمان فضایی توسعه استان (محورها و مراکز مهم در توسعه استان).
- اقدامها و عملیات اولویت‌دار در توسعه استان.

تبصره- سندهای ملی توسعه بخش و سندهای ملی توسعه استان، موضوع فصل سیزدهم این قانون، بر اساس جهت‌گیریهای سند ملی آمایش سرزمین و متناسب با ویژگیهای هر یک تنظیم و پس از تصویب هیئت وزیران، مبنای تنظیم عملیات اجرایی برنامه چهارم قرار می‌گیرد. دولت مکلف است، لوایح بودجه‌های سنواتی را بر اساس اسناد یاد شده تنظیم و تقدیم مجلس شورای اسلامی کند.

سند ملی سندی است راهبردی که جهت‌گیریهای اصلی بخش، استان یا طرحهای ویژه را در چارچوب تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه، تبیین و حسب مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی یا هیئت وزیران می‌رسد. عملیات اجرایی این اسناد در چارچوب مصوبات بودجه‌های سنواتی و سایر قوانین مطرح شده صورت می‌پذیرد.

بر همین اساس به منظور تبیین فضایی سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران و ترسیم الزامات تحقق آن در توسعه بلندمدت کشور و جبران نواقص گذشته و تحقق اهداف یاد شده در قانون برنامه چهارم توسعه به ویژه تبیین راهبردهای بخشی و استانی آمایش سرزمین، مرکز ملی آمایش سرزمین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مکلف شد با مشارکت مؤسسه‌های آموزش عالی، مؤسسه‌های تحقیقاتی و پژوهشی، دستگاههای اجرایی، مسئولان اجرایی استانها و تمامی صاحب‌نظران و کارشناسان و برنامه‌ریزان، همایش تخصصی- علمی آمایش سرزمین را برای تدوین برنامه پنجم توسعه کشور در سال ۱۳۸۵ برگزار کند ولی به دلیل تغییر ساختار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و فراهم نشدن شرایط، همایش آمایش سرزمین برگزار نگردید و مقرر شد مقالات تأیید شده توسط کمیته‌های علمی تحت عنوان «مجموعه مقالات همایش آمایش سرزمین» به چاپ برسد.

منابع

الف) فارسی

- توفیق، فیروز (۱۳۸۳)، تجربه چند کشور در برنامه‌ریزی با تأکید بر تجربه شوروی سابق، فرانسه، هند و کره جنوبی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، بهار.
- رستمی، فاطمه، «سابقه برنامه‌ریزی فضایی در ایران»، فصلنامه کنکاش و پژوهش، سال دوم، شماره دوم.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۶)، «گزارش خلاصه درباره مرکز برنامه‌ریزی آمایش سرزمین»، مرکز آمایش سرزمین، مرداد.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲)، «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، آذر.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران: تهران، آبان.
- سوری، حسین، «درآمدی دیگر بر آمایش سرزمین»، فصلنامه کنکاش و پژوهش، سال دوم، شماره دوم.
- سیاح، سیدياسر (۱۳۸۵)، «نادیده گرفتن طرح آمایش سرزمین موجب اختلال در تمامی بخشها و زیر بخشهاست»، روزنامه سرمایه، (مصاحبه با طراح طرح آمایش سرزمین) مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۴.
- صارمی، سمیه (۱۳۸۵)، «آمایش سرزمین بستر توسعه پایدار»، هفته‌نامه برنامه، شماره ۱۷۳.
- مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۱)، «مجموعه گزارشهای همایش چالشها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، توسعه و تعادل منطقه‌ای»، اسفند.
- مخدوم، مجید (۱۳۸۲)، «آمایش سرزمین راه حل برای ادامه»، روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۲/۴/۳.
- مخدوم، مجید (۱۳۸۴)، شالوده آمایش سرزمین، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- وحیدی، پریدخت (۱۳۷۳)، «آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره دوم، شماره ۷ و ۸.

ب) سایت

www.mporg.ir

سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

